

# اقتضای طبیعت مدافعین سرمایه ترور و اختناق توسط رژیم جمهوری اسلامی اوج میگیرد

شرایط اجتماعی ایران در هفته‌های اخیر سرعت روبخاست میبرد. خفقان و کشتار بر سرعت فزونی میگیرد و بقایای آزادیهای که در دوران انقلاب توسط مردم بدست آمد در معرض نابودی قرار میگیرد. رژیم ایران ناچار به توسل به چنین شیوه‌ها نیست. این شیوه‌ها بدون ارتباط با ماهیت او نیست. وسیله دفاعی اوست. اما در اتخاذ همین شیوه‌های ضد مومکراتیک نیز جمهوری اسلامی دارای ویژگی‌های خود است.

هیچ حیوانی با اندازه انسانی که به درجه حیوانی تنزل کرده با شدت قلبی نیست. قساوت نه یک انگیزه حیوانی بلکه یک نمود فرهنگ مسخ شده، رونمای جهالت، نمایش هستی مرکب از است. و هیچکس بیش از یک زیون بی‌مقدار، و بقدر یک موجودات توان بقدرت رسیده نمیتواند نمایش بهتری از قساوت بمعرض نمایش بگذارد. و این زیونان و بقدرت رسیدگان ناتوان اکنون درجا مع ما میداندار محلات اند. سینه‌دختری را چاک میدهند، دختر دیگری را در خیابان متوقف میکنند کلت به شقیقه‌اش میگذارند و شلیک میکنند، بدن نیمه‌جان دانشجوئی را به پشت ماشین می‌بندند و بزمین میکشند. معترضین به شکنجه را برگبار مسلسل می‌بندند. کارگران بیکار را اعدام میکنند و انقلابیون مبارزی چون رفقا احمد مودن و دانیالی را شکنجه و تیرباران میکنند. و اینها تازه گوشه‌ای از جنایاتی است که رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه حیات خود بدان متوسل میشود. دستها و پاهاى جدا شده از بدن‌ها، و سرهای متلاشی شده هزاران انسان خرد و کلان در کردستان گوشه‌های دیگر، از این نمایش سبعیت

را می‌سازند و این درست چندی پس از آنکه شکمهای دریده و بدنهای سوراخ سوراخ شده مردم ترکمن محراست که با زهم گوشه‌ای دیگر از صحنه را عیان ساخته است، و اینها علاوه بر هزاران هزار جنایت و توطئه‌ای است که روزانه در گوشه و کنار این جا معمته‌ها را در قدرت مرتکب میشوند تا چنانچه موعود است حکومت اسلامی در این قرن برگوشه‌ای از جهان سایه گسترده و برای گسترش سایه جمهوری اسلامی هیچ چیز جایجا تا امنیت محسوس نیست.

از همان زمان که بنی صدر، در پیام نوروزی سال نوراسال "امنیت" شمرده، انقلاب و فداانقلاب با همه هستی متفادانه معنای واحدی را از پیام بنی صدر دریافت کردند. هجوم آغا می‌شود. هر کسی با اندازه سرسوزنی درایت داشته باشد میدانند که مفاهیم و مقولاتی نظیر ایجاد امنیت، و جوهی از مبارزه طبقاتی درجا معاند و در پیوستگی با نوع مناسبات و قدرت حاکم اشکال معین بخود میگیرند. امنیت نوع بنی صدر بنا به ماهیت مناسبات کنونی چیزی جز سلب امنیت از انقلاب نمیتواند باشد. امنیت نوع بنی صدر، با توجه به نمونه‌های فسوق الزاما "امنیت آدمکشان است. امنیت رجالگان و شعبان بی‌مخهای نوع اسلامی است که بی‌هراس و نحت حمایت مستقیم و غیرمستقیم کیسه نود و خنگان کنونی با بهره‌وری از الگوی مناسبی که ما حمل ه سال دیکتاتوری پهلوی است، دست به هر جنایتی میزنند.

وقایع هفته‌های گذشته، مشقت ظاهرا "بسته‌بسیاری از سردمداران آزادی و دمکراسی را باز کرد. بهمان سان که

چشم توده‌های بسیاری از مردم را که در پرده پندارهای ساده لوحانه نسبت به ماهیت جمهوری اسلامی و هیرانش بود، باز کرد و همه دیدند که معنای آزادی از دیدگاه زعمای قوم چیست. بنی صدر نیز که شیور آزادی را از سرگشادش نواخته است به تقلا افتاده است. "رئیس جمهور منتخب مردم" (عنوانی که خودی دوست دارد به آن نامیده شود. شاید بدودلیل یا خودهنوز با ورنه در دنیا میدانند که مردم با ورنه کرده‌اند) که در آغا ز دوره ریاست جمهوری‌اش برای ایجاد امنیت، می‌خواست مبارزین را خانه به خانه بکوبد و خلع سلاح کند و فرمان میراند، اینک باید در یاد که ایجاد امنیت درجا معنای که دستخوش تحول تاریخی است، اگر از راه ایجاد و گسترش حمل‌های رشد و تکامل جامعه و از طریق دگرگون نمودن ساخت و نهادها منطبق با سیر تحولات تاریخی همسراه نباشد، عملی است که فقط فقط میتواند آثر با ایجاد نهادهای ارتجاعی و قتل و کشتار و دزدی و فسادات مین نمود. راه اول ساده نیست. توانما به انقلابی میخواهد و قرارگاه طبقاتی معین. اما راه دوم ساده است. قدری عوام فریبی، نوکرمنشی و سازماندهی میخواهد. اسباب و وسایل کار را نیز حاکمیت هم‌الیه پهلوی در اختیار هر صاحب منصب این چنینی قرار داده است. زندان، شکنجه‌گاهها و چماق بدستان... همین و بیافزاییم که رژیم شاه نواختن شیور از سرگشادش را از همه دست‌اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی و آف‌سای بنی صدر بهتر میدانست. اما تکنه‌ای که باید در این رابطه افاده شود این است

## اقتضای طبیعت ...

که سرکوب و خفگان در رژیم اسلامی نفسی دوگانه دارند. از یک جانب ابرازی هستند برای ادامه سلطه طبقاتی و کند کردن مبارزه طبقاتی و از یک جانب دیگر جلوه‌هایی گریزناپذیر از ایدئولوژی مذهبی طبقه حاکم. در حکومت اسلامی مسئله صرفاً "این نیست که آزادی برای طبقه حاکمه ایجاد در در سر میکند."

مسئله این است که هر چیز و همه چیز متفاوت هر کسی که تعبیری متفاوت حتی از همان مذهب دارد، هر جنبه‌ای که به راهی جز آنچه که مورد اعتقاد خلیفه ولی الله است می‌اندیند، مهدور الدم است. باید اورا ارسین بر دولو اینک که کاری یکسار تونداشنه باشد. باید او را در راه خدا از بس برد. چرا؟ چون داستان نیش عرب است و اقتضای طبیعت. باید با

نیشتر دین را بطبولاتی تا پذیرنده مملوک و بی شخصیت نیز فردا همانند تو با قسه و با طور بخواد کمونیست‌ها را مصلحان کند. پس جستجو نکنیم که فایده هر قساوت و جنایتی را برای رژیم، بلافاصله دریابیم. به اقتضای طبیعت رژیم آخوندی هم باید توجه داشته باشیم، و به راه‌هایی که با شمشیر فتح میشوند. و با مسلسل نیش.